

دانش و پژوهش در علوم تربیتی  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)  
شماره سیزدهم - بهار ۱۳۸۶  
صص ۹۹ - ۱۲۲

## روند تحولات آموزش عالی زنان استان اصفهان در سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰

آذر قلی زاده<sup>۱</sup> - نیلوفر برکت<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر «بررسی روند تحولات آموزش عالی زنان استان اصفهان (بخش دولتی) طی سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰» است. برای دستیابی به این هدف به شناخت روند مشارکت زنان در آموزش عالی در این دوران، تعیین رشته‌هایی که زنان به آن گرایش پیدا کرده‌اند، روند حضور زنان در بازار کار استان اصفهان، دستیابی زنان به مقام‌های مهم اساسی و ارتباط میان تحصیلات زنان و اشتغال آنان در مشاغل تخصصی پرداخته شده است. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی بود و با استفاده از داده‌های آماری موجود، روند تحولات آموزش عالی زنان مشغول به تحصیل و فارغ‌التحصیلان استان اصفهان را در کلیه مقاطع و رشته‌های تحصیلی در دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ مورد بررسی قرار داده است.

---

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (نویسنده مسئول)

Email: azargholizadeh@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی

در این پژوهش نمونه‌گیری خاصی انجام نگرفته و جامعه آماری با نمونه آماری یکسان و برابر است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روند مشارکت زنان در آموزش عالی، در دوران مطالعه در تمامی مقاطع و رشته‌های تحصیلی حتی رشته‌هایی که قبلاً در انحصار مردان قرار داشته، چشمگیر و گسترده بوده است. در رشته فنی-مهندسی در سال ۱۳۷۰-۷۱، درصد دانشجویان زن ۱۰/۴۷ بود که این رقم در سال ۱۳۷۹-۸۰ به ۴۰/۹۵ درصد رسیده است. در رشته کشاورزی درصد زنان از ۲/۶ به ۵۱/۹۷ درصد رسیده است. با آنکه تعداد زنان در رشته‌های متعدد آموزش عالی افزایش داشته، مشارکت آنان در بازار کار از روند مطلوبی برخوردار نبوده است. میزان مشارکت در بازار کار استان اصفهان هر ساله با رشدی نزولی برابر ۲/۲۴- درصد روبه‌رو بوده است. حضور زنان در سمت‌های مدیریتی و سرپرستی ادارات دولتی بسیار کم‌رنگ و در حدود ۲/۳ درصد بوده است. در نهایت زنان متخصص فقط دربرگیرنده ۲۸/۲ درصد متخصصان شاغل در استان اصفهان در بخش دولتی هستند.

**کلید واژه‌ها:** آموزش زنان، آموزش عالی، مشارکت، جنسیت، بخش دولتی.

#### مقدمه

روند توسعه کشورهای و پیشرفت فناوری، موجبات بهبود نسبی رفاه اجتماعی در بسیاری از جوامع و تلاش انسان امروزی برای برخورداری بیشتر از امکانات رفاهی را فراهم کرده است. وقوع سریع تغییرات اجتماعی و گستردگی ارتباطات سبب گردیده تا در طی کمتر از نیم قرن تحولات بسیاری در ساختار اجتماعی و خانوادگی به وجود آید. این امر موجب شده است که فعالیتهای زنان در عرصه‌های اجتماعی، اداری، اقتصادی و تلاش آنان برای کسب درآمد مستقل گسترش یابد. جامعه ایران به‌خصوص در دو دهه اخیر نیز از این تحولات محروم نبوده است. در این مدت تغییرات بنیادی عمیقی در جایگاه زنان و دیدگاه‌های اجتماعی نسبت به آنان رخ داده است. اگرچه این تحولات چشمگیر بوده است، اما هنوز تعداد زنان تحصیلکرده و متخصص شاغل نسبت به سایر کشورهای هم‌تراز و بیشتر کشورهای پیشرفته از کمبود قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. از آنجا که بازده نهایی تحصیلات زنان، به‌ویژه در جوامعی که از آموزش کمتری برخوردارند، بیش از مردان است، اقتصاددانان بر این باورند که جامعه باید در قسمت

آموزش زنان بیشتر سرمایه‌گذاری کند. شواهد نیز نشان‌دهنده این حقیقت است که تحصیلات زنان آثار مثبت قابل توجهی بر رشد، تربیت، تحولات فرهنگی و پیشرفت تحصیلی فرزندان خواهد داشت (عمادزاده، ۱۳۸۲، ص ۱۱۵).

با توجه به این موارد مقاله حاضر ابتدا به روند تحولات آموزش عالی زنان در استان اصفهان می‌پردازد، سپس میزان دستیابی زنان به رشته‌های دانشگاهی را بررسی می‌کند و به نقش آموزش عالی در مشارکت آنان در بازار کار می‌پردازد. در نهایت به کنکاش در مورد این سؤال می‌پردازد که چرا مشارکت زنان در آموزش عالی به کسب سمتهای مدیریتی و مشاغل تخصصی آنان منجر نشده است؟

در هر جامعه‌ای افزایش زنان تحصیلکرده شاخصی برای پیشرفت آن جامعه محسوب می‌شود و فرصتی برای سرعت بخشیدن به روند توسعه و نیز افزایش توان رویارویی با تغییر و تحولات ناشی از رشد و توسعه را فراهم می‌آورد.

یکی از شاخص‌های مهم توسعه در میان کشورها و جوامع «برابری جنسیتی» است. در فرایند توسعه علاوه بر افزایش دستیابی زنان به منابع و رفاه بیشتر، زمینه‌های مساعد برای مشارکت جدی آنان در این امر نیز هموار می‌شود (شکوری‌راد، ۱۳۸۰، ص ۷). برخورداری زنان از برابری و مساوات جنسیتی، آنان را به سوی توسعه فزاینده سوق می‌دهد، زیرا منجر به حضور، فعالیت و مشارکت آنان در همه عرصه‌ها و افزایش و ارتقای تواناییهای آنان می‌شود. در این روند زنان به تدریج درمی‌یابند که باید برای تضمین دسترسی و رشد خود در عوامل تولید سهمی متناسب با میزان مشارکت و جمعیت خود داشته باشند.

سابارائو از میان عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روان‌شناسی که مانعی بر سر راه برابری جنسیتی در آموزش عالی محسوب می‌شود به موارد زیر اشاره می‌کند.

- کمتر بودن دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل دختر در مقطع دبیرستان.  
- نبود امکانات آموزشی برابر با پسران برای دختران که درصد افت تحصیلی دختران را نسبت به پسران بالا می‌برد.

- تمایل نداشتن والدین به کسب مدارک بالاتر آموزش عالی برای دختران به دلیل تقاضای کم اشتغال برای آنها در فعالیتهای تولیدی، خدماتی و جذب نشدن آنها در بازار کار رسمی

- در نهایت برنامه‌دستی سنتی در برابر برنامه‌دستی غیرسنتی که مشارکت زنان را به نوعی در آموزش عالی محدود می‌کند (سابارائو، ۱۳۷۷، ص ۲۳).

نتایج تحقیق اسکیل بک و همکاران<sup>۱</sup> در «اجلاس چالش‌های برابری در آموزش عالی» نشان داد که از سال ۱۹۶۰ به بعد زنان با رشد فزاینده‌ای در تمامی رشته‌ها در کشورهای مختلف دنیا به مقطع آموزش عالی راه یافته‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در حال حاضر سیاستگذاران توجه خود را به برابری جنسیتی در مشاغل دانشگاهی معطوف کرده‌اند که این خود شامل تفکیک شغلی، تأثیر متقابل جنسی و قومی، مشاغل رده پایین و نقش اعضای مهم کادر آموزشی در نگرش‌های به‌وجود آمده در داوطلبان دختر و شغل آنان در آینده بوده است (صص ۱ تا ۹).

در این صورت حضور زنان در مؤسسات و مراکز آموزش عالی به آنان فرصت می‌دهد تا بخشی از مهارت‌های زندگی را فراگیرند و از همه مهمتر تجربه حضور در مراکز علمی نهادهای اجتماعی مدرن جامعه را به‌دست آورند. این مشارکت زنان بر مراحل بعدی زندگی آنان همچون ایفای نقش‌های متنوع اجتماعی به‌عنوان مادر در تربیت فرزندان، نیروی انسانی متخصص و ماهر در زمینه‌های کار و مدیریت و به‌طور کلی به‌عنوان یک شهروند آگاه و مسؤول تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این در کشورهایی که با فرار مغزها و کمبود نیروی انسانی روبه‌رو هستند، زنان می‌توانند به روند توسعه سرعت بخشند و نیروی ذاتی هر جامعه‌ای محسوب شوند (ایمانی، مردیها، ۱۳۸۱).

در مبحث دسترسی زنان به آموزش عالی و همچنین دستیابی آنان به رشته‌هایی که خاص مردان بوده، در کل جهان تحقیقاتی انجام شده است. در کل تداوم تقاضای بالای افراد برای ورود به دانشگاهها را می‌توان به دلیل افزایش ثبت‌نام زنان دانست. در بررسی آماری بین سالهای ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۰ ونولی ابراز می‌دارد: «اخیراً در آمریکای شمالی ۵۵ درصد از دانشجویان دوره کارشناسی را زنان به‌خود اختصاص داده‌اند و به نظر می‌رسد که تا پایان دهه حاضر (۲۰۰۱ میلادی) این میزان به ۶۰ درصد برسد.» (ونولی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱، ص ۴).

به نظر وی زنان در مقاطع بالاتر نیز به‌دنبال کسب موفقیت و مشارکت بیشتر بودند.

بدین صورت که در دوره دکتری تخصصی در تمامی رشته‌های دانشگاهی از ۳۳ درصد در سال تحصیلی ۸۳ - ۱۹۸۲ به ۳۹ درصد در سال تحصیل ۹۶ - ۱۹۹۵ رسیده است. همچنین در رشته‌های علوم اجتماعی، در سال تحصیلی ۸۱ - ۱۹۸۰، ۶۴ درصد دانشجویان دوره دکتری تخصصی را مردان تشکیل می‌دادند، در حالی که این میزان در سال تحصیلی ۹۵ - ۱۹۹۴ برای مردان به ۴۹/۲ درصد کاهش یافته است. در این میان سهم زنان در سالهای تحصیلی ۱۹۷۷ - ۱۹۵۵ به ترتیب ۵۱/۶ درصد و ۵۲/۱ درصد افزایش یافته است (ونولی، ۲۰۰۱، صص ۱ تا ۸).

سرمایه‌گذاری بر روی نیروی انسانی، در جهانی که اقتصاد آن مبتنی بر دانش است، مهمترین راه دستیابی به توسعه همه‌جانبه و متوازن است. در این راستا آموزش از اولویت خاصی برخوردار است. در این صورت است که زنان نیز با افزایش تحصیلات خود به‌عنوان منبع مهمی از جامعه به‌شمار می‌روند.

مطابق یافته‌های تحقیقی میراندا<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) در مورد «تأثیر آموزش بر مشارکت نیروی کار زنان در کشورهای در حال توسعه» سهم عمده‌ای از جمعیت زنان بزرگسال با سرعت‌های متفاوتی به نیروی کار کشور ملحق شده‌اند. او علت این امر را تغییر نگرش زنان در مورد بازار کار، دگرگونی اجتماعی جوامع، توسعه اقتصادی و خصوصیات خاص ساختار خانواده، افزایش سطح آموزش مردم و تغییر خصوصیات فرهنگی جوامع برشمرده است. (میراندا، ۱۹۹۴، صص ۷۱ تا ۱۶۶۶).

داندار<sup>۲</sup> و همکاران (۱۹۹۹) در پژوهشی با عنوان «بهبود دستیابی زنان به آموزش عالی» ابراز می‌دارند که برنامه‌های افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی زمانی موفقیت‌آمیز است که تقاضا برای حضور زنان آموزش‌دیده در بازار کار افزایش یابد و نیز خانواده‌ها تمایل به مشارکت دختران خود در مراکز آموزش عالی داشته باشند (صص ۷۵-۱).

زنان با نیروی ذاتی خود می‌توانند در ایجاد سازگاری فرهنگی جدید که ناشی از تحولات توسعه داخلی و پیامدهای جهانی شدن است نقش بسزایی داشته باشند. به این منظور برطرف کردن موانع دستیابی زنان به آموزش عالی به‌عنوان شهروندان جامعه، یکی از ضروریات مهم در فرایند نوسازی است.

در بررسی «تأثیر گرایش زنان به آموزش عالی و کاهش میزان باروری در ژاپن» شیراهس<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) به این نتیجه رسیده است که کاهش میزان باروری با افزایش تعداد زنانی که به آموزش عالی راه یافته‌اند ارتباط تنگاتنگی دارد. یکی از مهمترین یافته‌ها در این زمینه تأثیر سن بر باروری است. در حالی که طول مدت تحصیل عامل بسیار مهمی در زمان سن ازدواج و متعاقب آن باروری زنان داشته است، زیرا زمان بر بودن تربیت فرزندان را می‌توان عامل مهمی در کاهش باروری دانست (شیراهس، ۲۰۰۰، ص ۶۳ تا ۶۷).

دورانتس و همکاران<sup>۲</sup> معتقدند که زنان با مدرک دانشگاهی در امریکا تولد اولین فرزند خود را به دلیل کم شدن حقوق به تعویق می‌اندازند. او در این تحقیق به بررسی میزان تولد اولین فرزند در مادران زیر ۳۰ سال پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که به دلیل تفاوت درآمد زنان مجرد و دارای فرزند در ادارات، زنان مایل هستند که اولین فرزند خود را بعد از ۳۰ سالگی به دنیا بیاورند، چون در آن زمان شغل آنها ثبات و پایداری بیشتری یافته است (دورانتس و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۱ تا ۳۵).

در نهایت آموزش عالی زنان نه تنها بر باروری، بهداشت و تغذیه و آموزش کودکان آنان تأثیر مثبت می‌گذارد، بلکه موجب افزایش فرصت‌های پرثمر، ایجاد تحرک شغلی و منطقه‌ای و درآمد خانواده می‌شود که این خود در درازمدت می‌تواند سهم بسزایی در کاهش فقر زنان و در مجموع، خانواده داشته باشد.

### سوالات پژوهش

- ۱- آیا میزان مشارکت زنان در آموزش عالی طی دوره مطالعه افزایش یافته است؟
- ۲- آیا افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی موجب تغییر در ساختار جنسیتی رشته‌ها و گروههای آموزشی گردیده است؟
- ۳- آیا مشارکت زنان در آموزش عالی طی دوره مطالعه با افزایش مشارکت آنان در بازار کار همراه بوده است؟
- ۴- آیا مشارکت زنان در آموزش عالی با رشد احراز سمت‌های مدیریتی آنان همراه بوده است؟
- ۵- آیا مشارکت زنان در آموزش عالی بر سهم آنان در مشاغل تخصصی افزوده است؟

## روش پژوهش

این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است. پژوهشگر در این روش با استفاده از شیوه‌های آمار توصیفی به سر و سامان دادن و تلخیص اطلاعات خاص پرداخته و آنها را در شکلهای گوناگون مانند: جدولهای توزیع فراوانی و نمودارهای مختلف ارائه داده است.

## ابزار پژوهش

در این پژوهش توضیح موقعیت بعضی از پدیده‌ها در زمان معین و گسترش آن در طول زمان مشخص مورد توجه است. مهمترین ابزار مورد نیاز در این مقاله اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای است که شامل آمار و اطلاعات سالنامه‌های آماری، سایت‌های اینترنتی از جمله سایت زنان ایران و مرکز پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، گزارش تحلیلی، اجتماعی، اقتصادی استان اصفهان و مراکز آماری موجود از قبیل: دفتر امور بانوان استانداری، دفتر امور بانوان و جوانان فرمانداری، واحد انفورماتیک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، معاونت پژوهشی نیروی انسانی و دفتر امور بانوان اداره کل آموزش و پرورش، اداره کل بهداشت، درمان و آموزش پزشکی استان اصفهان، دانشگاه اصفهان و دانشگاه علوم پزشکی اصفهان است که در طول دوره مطالعه گردآوری شده است. ابزار تحقیق در این قسمت جدولها و فهرست‌ها طراحی شده است.

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه آمارهای مربوط به آموزش عالی زنان استان اصفهان طی سالهای ۱۳۸۰ - ۱۳۷۰ در دانشگاههای زیر نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. روش اساسی در این تحقیق جمع‌آوری داده‌ها از سازمانهای گوناگون و تبدیل این داده‌ها به اطلاعات و بررسی روند تغییرات آن در طول دوره مطالعه است. در این پژوهش سعی شده است تا با استفاده از داده‌های آمار موجود روند تغییرات اجتماعی زنان برای ورود به آموزش عالی استان اصفهان براساس نظریه‌های برنامه‌ریزی آموزشی بررسی شود.

براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، جمعیت استان اصفهان بالغ بر ۳۹۱۴۸۷۴ نفر بوده است که ۷۴/۳ درصد در شهرها و ۲۵/۷ درصد در روستاها زندگی می‌کنند. براساس سرشماری سال ۱۳۸۲، ۸۷/۷ درصد جمعیت شش ساله و بیشتر این استان باسواد بوده‌اند که سهم مردان ۹۱ درصد و سهم زنان ۸۴/۶ درصد بوده است.

براساس آمار سال ۱۳۸۲، میزان فعالیت جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر در استان اصفهان به‌طور کلی ۳۸/۳ درصد بوده که برای مردان ۶۲/۷ درصد و زنان ۱۱/۸ درصد بوده است. سرعت رشد جمعیت استان طی سالهای ۷۵ - ۱۳۷۰ در حدود ۱/۲۷ درصد بوده است. اما از سال ۱۳۷۶ به بعد با افزایش سهم افرادی که وارد سن ازدواج شده‌اند مجدداً زاد و ولد و در نتیجه رشد طبیعی جمعیت رو به افزایش گذاشته است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان، ۱۳۸۲، ص ۳۶۹).

استان اصفهان با دارا بودن دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی، آزاد و غیرانتفاعی یکی از مراکز مهم آموزش عالی در کشور محسوب می‌شود. به‌طوری که از حیث تعداد دانشجو و اعضای هیأت علمی (حق‌التدریس و پاره‌وقت) مقام دوم را در کشور دارد. استان اصفهان با دارا بودن ۲۳ مرکز آموزش عالی دولتی، بر اساس سرشماری‌ها و آمار سال ۱۳۸۱، ۸/۹۷ درصد از دانشجویان کل کشور را در خود جای داده است (مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۳، ص ۲ تا ۷).

محیط پژوهشی این تحقیق را دانشگاهها و مراکز آموزش عالی استان اصفهان (بخش دولتی) تشکیل می‌دهد. جدول ۱ در برگزیده پذیرفته‌شدگان زن دانشگاهها و مراکز آموزش عالی استان اصفهان برحسب گروه عمده تحصیلی و دوره‌های تحصیلی (بخش دولتی) ۷۷ - ۱۳۷۰ و ۸۲ - ۱۳۸۱ است.



(جای جدول)

### مروری بر آموزش متوسطه استان اصفهان

در این پژوهش ابتدا به منظور بررسی بیشتر روند مشارکت زنان در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی استان، مروری بر روند آموزش متوسطه و پیش‌دانشگاهی استان اصفهان انجام شده است.

با بررسی فارغ‌التحصیلان دختر و پسر در رشته‌های تحصیلی نظری، فنی و حرفه‌ای و کاردانش در بین سالهای ۷۱ - ۱۳۷۰ تا ۸۱ - ۱۳۸۰ ملاحظه می‌شود که در طی این سالها روند فارغ‌التحصیلان دختر رو به افزایش بوده است. حتی در رشته‌های ریاضی که خاص پسران بوده، سهم دختران در سال ۷۱ - ۱۳۷۰، از ۲۶/۳۷ درصد به ۴۷/۵۸ درصد در سال تحصیلی ۸۱ - ۱۳۸۰ افزایش یافته است. در رشته‌های علوم تجربی و علوم انسانی از ابتدا دختران نسبت به پسران برتری اندکی داشته‌اند. اما در سال تحصیلی ۸۱ - ۱۳۸۰ در هر دو گروه سهم دختران به بیش از ۷۰ درصد رسیده است. همچنین با بررسی رشته‌های فنی حرفه‌ای که خاص پسران است، مشخص می‌شود که در این رشته‌ها نیز هر ساله بر سهم تعداد دختران افزوده شده است. ولی به علت بافت مردانه این رشته‌ها هنوز هم بیش از ۷۰ درصد دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای را پسران تشکیل می‌دهند. در رشته‌های کاردانش رقابت تنگاتنگی بین این دو جنس وجود دارد و با کمی اختلاف دختران بیش از ۵۰ درصد دانش‌آموزان این رشته‌ها را به خود اختصاص داده‌اند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان، ۱۳۸۲، ص ۳۹۵ تا ۳۹۶).

### یافته‌های تحقیق

سؤال ۱- آیا میزان مشارکت زنان در آموزش عالی در طی دوره مطالعه افزایش یافته است؟

روند مشارکت زنان در آموزش عالی در طی این دوره آهنگی رو به افزایش داشته است. در سال ۷۱ - ۱۳۷۰ کل پذیرفته‌شدگان زن ۲۶/۲۰ درصد بوده است که این رقم در سال ۸۱ - ۱۳۸۰ به ۶۶/۶۸ درصد رسیده است که رشدی معادل ۱۵/۸۸ درصد داشته است. همچنین در سال ۷۱ - ۱۳۷۰ تعداد کل دانشجویان زن ۲۴/۶۹ درصد بوده است که این رقم در سال تحصیلی ۸۱ - ۱۳۸۰ به ۶۰/۸۵ درصد رسیده است. طی این مدت دانشجویان زن از رشدی معادل ۱۴/۳۴ درصد برخوردار بوده‌اند. تعداد

فارغ‌التحصیلان زن دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی استان اصفهان در سال تحصیلی ۷۱ - ۱۳۷۰، ۳۱/۷۰ درصد بوده است که این رقم در سال ۸۱ - ۱۳۸۰ به ۵۸/۹۵ درصد رشد پیدا کرده است.

در طی این مدت هر ساله ۱۱/۳۲ درصد به تعداد فارغ‌التحصیلان افزوده شده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان، ۱۳۸۱).

جدول ۲- درصد سرعت رشد پذیرفته‌شدگان، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهها و مراکز آموزش عالی استان اصفهان (بخش دولتی)

سرعت رشد سال تحصیلی	درصد کل پذیرفته‌شدگان زن	درصد کل دانشجویان زن	درصد کل فارغ‌التحصیلان زن
۱۳۷۰ - ۷۵	۵۹	۳۷/۰۵	۶
۱۳۷۵ - ۷۶	۸/۰۱	۱۰/۹۳	-۷/۹
۱۳۷۶ - ۷۷	-۵/۸۲	۳/۵۴	۴۱/۹
۱۳۷۷ - ۷۸	۱۹/۱۳	۲۴/۰۸	۱۱/۳
۱۳۷۸ - ۷۹	۲۶/۷۵	۱۸/۱۰	۱۰/۲
۱۳۷۹ - ۸۰	۱/۰۱	۴/۰۲	۷/۴۰
۱۳۸۰ - ۸۱	۳/۱۳	۲/۷۰	—
رشد سالانه	۱۵/۸۸	۴۰/۳۴	۱۱/۳۲

منبع: محاسبات پژوهشگر براساس سالنامه آماری استان اصفهان، ۱۳۸۱

سؤال ۲- آیا افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی موجب تغییر در ساختار جنسی رشته‌ها و گروههای آموزشی بوده است؟

براساس آمارهای موجود در سال ۷۱-۱۳۷۰ در رشته علوم پزشکی ۴۴درصد دانشجویان زن بوده‌اند که این درصد برای رشته‌های علوم پایه، علوم انسانی، فنی- مهندسی و کشاورزی به ترتیب ۳۳/۴۹، ۱۰/۴۷ و ۲/۶ درصد است. همچنین در سال تحصیلی

۸۰ - ۱۳۷۹ در رشته علوم پزشکی درصد زنان به ۵۶ و در سال تحصیلی ۸۲ - ۱۳۸۱ به ۶۱/۷۹ درصد رسیده است که از رشدی معادل ۳/۴۶ درصد برخوردار بوده است. در گروه علوم پایه در سال ۷۱ - ۱۳۷۰، ۳۳/۴۹ درصد دانشجویان دختر بوده‌اند که این رقم در سال ۸۲ - ۱۳۸۱ در مقطع کارشناسی به ۴۶/۲۵ درصد رسیده و هر ساله رشدی معادل ۷/۰۲ درصد را به خود اختصاص داده است. در گروه علوم انسانی در سال ۷۱ - ۱۳۷۰، ۳۵/۰۸ درصد دانشجویان زن بوده‌اند که این رقم در سال ۸۲ - ۱۳۸۱ در مقطع کارشناسی به ۶۷/۱۵ درصد افزایش یافته است. در مقابل رشته‌های فنی - مهندسی و کشاورزی در سال ۷۱ - ۱۳۷۰ به ترتیب ۱۰/۴۷ و ۲/۶ درصد دانشجویان آن را زنان تشکیل داده‌اند. در حالی که در سال تحصیلی ۸۲ - ۱۳۸۱ در مقطع کارشناسی ۴۳/۸۵ و ۴۷/۱۰ درصد دانشجویان در این دو رشته زنان بوده‌اند. در بررسی آمارهای موجود در سالهای تحصیلی ۸۲ - ۱۳۸۱ و ۸۱ - ۱۳۸۰ در رشته علوم پزشکی در کل به ترتیب ۶۱/۸۷ و ۶۱/۷۹ درصد دانشجویان زن بوده‌اند. در سال ۸۱ - ۱۳۸۰ در گروه علوم پزشکی در مقطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترای حرفه‌ای و دکترای تخصصی به ترتیب ۷۲/۵۳، ۷۲/۳۱، ۵۷/۸۹، ۳۲/۲۹ و ۳۷/۳۳ درصد از دانشجویان زن بوده‌اند در بررسی درصد زنان در مقاطع کاردانی و کارشناسی بیش از ۷۰ درصد دانشجویان را دختران تشکیل داده‌اند، ولی در مقاطع بالاتر آموزش عالی مانند کارشناسی ارشد ۵۷/۸۹ درصد، دکترای حرفه‌ای و دکترای تخصصی کمتر از ۴۰ درصد دانشجویان دختر هستند.

همچنین در بررسی بقیه رشته‌های تحصیلی مانند علوم انسانی و علوم پایه که جزو رشته‌های مورد علاقه دختران است به غیر از مقاطع کاردانی و کارشناسی در مقاطع بالاتر، مقطع کارشناسی ارشد علوم انسانی ۲۶/۵۹ درصد دانشجویان زن هستند. براساس آمار موجود شمار دانشجویان مرد در این مقطع سه برابر دانشجویان زن است. در مقطع دکترای تخصصی، کمتر از ۲۵ درصد دانشجویان را زنان تشکیل می‌دهند. در ضمن رشته علوم پایه در مقطع کارشناسی ارشد در سال تحصیلی ۸۱ - ۱۳۸۰ کمتر از ۴۰ درصد و در مقطع دکترای تخصصی کمتر از ۴۳ درصد دانشجویان زن هستند. در کل با توجه به آمار و ارقام ارائه شده، روند مشارکت حضور زنان در تمامی مقاطع و رشته‌های آموزش عالی سیری صعودی را طی کرده است. حتی در رشته‌هایی

مانند فنی - مهندسی و کشاورزی حضور گسترده زنان چشمگیر است. با وجود آنکه در مقاطع بالاتر مانند کارشناسی ارشد، دکترای حرفه‌ای و دکترای تخصصی حضور زنان کم‌رنگتر است، ولی با حجم زیاد دانشجویان زن مقطع کارشناسی در سالهای آینده بدون تردید، مشارکت بیشتر آنان در مقاطع بالاتر چشمگیر خواهد بود.

جدول ۳- درصد سرعت رشد سالیانه زنان برحسب رشته و سال تحصیلی

سال	رشته	علوم پزشکی	علوم پایه	علوم انسانی	فنی مهندسی	کشاورزی
۱۳۷۱ - ۷۲	۵/۶۸	۸/۴۵	-۰/۸۸	-۰/۹	۹۶/۱۵	
۱۳۷۲ - ۷۳	۱/۵۷	۱/۶۵	۷/۱۰	۱۲/۲۱	۱۷/۶۴	
۱۳۷۳ - ۷۴	۶/۳۸	-۰/۴۰	۱۳/۷۷	۱۶/۴۹	-۵	
۱۳۷۴ - ۷۵	۳/۶	۱۴	۸/۰	-۱۷/۷۵	۵/۲۶	
۱۳۷۵ - ۷۶	۰/۳۸	۱۷/۹۰	۹/۵۹	۲۶/۰۴	۱۳/۵	
۱۳۷۶ - ۷۷	۴/۲۳	۸/۳۴	۹/۷۰	۱۷/۱۲	-۲/۰۵	
۱۳۷۷ - ۷۸	-۵/۷۰	۶/۹۰	۱/۰۱	۵۵	۴۹۶/۰۸	
۱۳۷۸ - ۷۹	۹/۵۶	-۰/۶	۸/۲۲	۵۶/۴۱	۳۰/۵۷	
۱۳۷۹ - ۸۰	۱۰/۳۲	۰/۷۴	۱۲/۴۵	۳/۳۴	-۱۱/۹۱	
۱۳۸۰ - ۸۱	-۱/۴۰	۳/۳۱	۲/۹۵	۳/۶۱	۲/۸۸	
جمع	۳۴/۶۲	۷۰/۲۹	۷۲/۶۱	۱۷۱/۵۷	۶۴۳/۱۲	
میانگین رشد	۳/۴۶	۷/۰۲	۷/۲۶	۱۷/۱۵	۶۴/۳۱	

منبع: محاسبات پژوهشگر براساس سالنامه‌های آماری استان اصفهان سالهای مختلف

نمودار ۱- دانشجویان مؤسسات آموزش عالی استان اصفهان (بخش دولتی)  
برحسب سال، جنس و رشته تحصیلی ۱۳۸۰ - ۱۳۷۰

سؤال ۳- آیا مشارکت زنان در آموزش عالی در طی دوره مطالعه با افزایش مشارکت آنان در بازار کار همراه بوده است؟

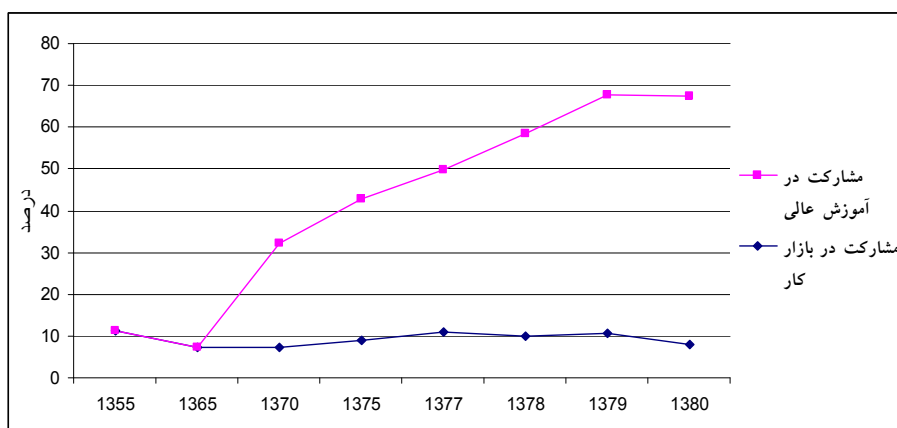
مشارکت زنان در بازار کار برخلاف روند مشارکت زنان در آموزش عالی سیر نزولی را طی کرده است. هر ساله به طور متوسط از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۰، ۲/۲۴- درصد از مشارکت زنان در بازار کار کاسته شده است. در مقابل میزان مشارکت زنان در آموزش عالی در طی دوره مطالعه روندی صعودی را در پیش داشته است و به طور متوسط هر ساله ۱۹/۶۲ درصد به دانشجویان دختر دانشگاهها و مراکز آموزش عالی (بخش دولتی) افزوده شده است.

در جدول ۴ میزان مشارکت زنان استان اصفهان در بازار کار براساس سرشماری نفوس و مسکن سالهای ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵، همچنین آمارهای سالیانه مرکز آمار استان اصفهان در سالهای ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ مشاهده می شود (۱۳۸۱، ص ۹۱).

جدول ۴- مقایسه میزان مشارکت زنان در بازار کار و میزان مشارکت زنان در آموزش عالی

سال	مشارکت در بازار کار	درصد رشد	مشارکت در آموزش عالی	درصد رشد
۱۳۵۵	۱۱/۱۹	-۳۴/۶۷	—	—
۱۳۶۵	۷/۳۱	۰/۶۸	—	—
۱۳۷۰	۷/۳۶	۲۳/۹۱	۲۴/۶۹	۳۷/۰۵
۱۳۷۵	۹/۱۲	۲۱/۳۸	۳۳/۸۴	۱۴/۸۶
۱۳۷۷	۱۱/۰۷	-۸/۶۷	۳۸/۸۷	۲۴/۰۸
۱۳۷۸	۱۰/۱۱	۶/۳۳	۴۸/۲۳	۱۸/۱۰
۱۳۷۹	۱۰/۷۵	-۲۴/۶۵	۵۶/۹۶	۴/۰۲
۱۳۸۰	۸/۱۰	—	۵۹/۲۵	—
میانگین	۹/۳۸	-۲/۲۴	۴۳/۶۴	۱۹/۶۲

منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان، سالنامه آماری استان اصفهان، ۱۳۸۱



نمودار ۲- مقایسه میزان مشارکت زنان در بازار کار و آموزش عالی

سؤال ۴- آیا مشارکت زنان در آموزش عالی با رشد احراز سمت‌های مدیریتی آنان همراه بوده است؟

در تحقیقی که بر روی تعدادی از ادارات دولتی استان اصفهان انجام شده است، در مجموع به غیر از وزارت آموزش و پرورش و اداره کل بهداشت و درمان و آموزش پزشکی تعداد مدیران، معاونان و سرپرستان زن قابل مقایسه با دیگر ادارات نیستند. ولی در بقیه اداره‌ها تعداد زنان در سمت‌های مدیریتی بسیار اندک است (گزارشی از وضعیت شاغلان زن استان، ۱۳۸۲). همچنین براساس جدول ۵ قانونگذاران و مقامات عالی‌رتبه و مدیران زن استان اصفهان در طی سالهای ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ نشان‌دهنده حضور کم‌رنگ زنان در این مشاغل بوده است، در حالی که در سال ۱۳۸۲، ۲/۳ درصد مقامات عالی‌رتبه ادارات را زنان تشکیل می‌دهند.

جدول ۵- شاغلان ۱۰ ساله زن و بیشتر استان اصفهان برحسب گروه‌های عمده شغلی (خانوارهای نمونه استان)

شغل	درصد زنان ۱۳۷۹	درصد زنان ۱۳۸۰	درصد زنان ۱۳۸۱	درصد زنان ۱۳۸۲
قانونگذاران و مقامات عالی‌رتبه و مدیران	۰/۶۷	۲/۹	۲/۴۱	۲/۳
متخصصان	۱۸/۴۳	۲۶/۸۷	۲۲/۸۰	۲۸/۲
تکنسین‌ها و دستیاران	۲/۳۹	۵	۳/۵۲	۵/۳
کارمندان امور اداری و دفتری	۲/۷۷	۴/۰۲	۴/۵۵	۴/۳
کارکنان خدماتی، فروشندگان و فروشگاهها	۲/۷۷	۳/۴۷	۳/۲۲	۲/۷

منبع: مرکز آمار ایران، آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار (۲۷۰: ۱۳۷۹) و (۳۰۷: ۱۳۸۰) و (۲۶۰: ۱۳۸۱) و (۳۹۲: ۱۳۸۲).



سؤال ۵- آیا مشارکت زنان در آموزش عالی بر سهم آنان در مشاغل تخصصی افزوده است؟

براساس اطلاعات جدول ۵ در سالهای ۱۳۸۲ - ۱۳۷۹ تعداد متخصصان زن استان اصفهان روند صعودی کندی را در پیش داشته‌اند. در سال ۱۳۸۲ این رقم به ۲۸/۲ درصد رسیده است همچنین در بررسی روند کارمندان زن امور اداری و دفتری نیز حضور زنان چشمگیر نبوده است.

به علاوه در بررسی شاغلان زن استان اصفهان در تعدادی از ادارات دولتی که برحسب تحصیلات مورد مطالعه قرار گرفته شده است، بیشترین سهم کارمندان زن به اداره آموزش و پرورش تعلق دارد. سپس نهضت سوادآموزی و دانشگاهها بالاترین میزان کارمند زن را به خود اختصاص داده‌اند. در تحقیق انجام شده زنان با مدرک کارشناسی بالاترین حجم زنان شاغل ادارات دولتی را به خود اختصاص داده‌اند (دفتر امور زنان و جوانان فرمانداری استان اصفهان: گزارشی از وضعیت زنان استان ۱۳۸۲).

جدول ۶- کارکنان آموزشی تمام وقت و حق التدریس دانشگاهها و مراکز آموزش عالی (بخش دولتی) استان اصفهان برحسب سال و جنس، ۸۱ - ۱۳۸۰

سال تحصیلی	تمام وقت			حق التدریس			
	مرد	زن	درصد زن	جمع	مرد	زن	درصد زن
۱۳۷۰ - ۷۱	۶۴۲	۷۶	۱۰/۵۸	۱۱۲	۹۱	۲۱	۱۸/۷۵
۱۳۷۵ - ۷۶	۹۷۷	۱۲۱	۱۱/۰۲	۵۰۵	۴۸۳	۲۲	۴/۳۵
۱۳۷۶ - ۷۷	۹۵۹	۱۱۱	۱۰/۳۷	۶۳۵	۵۹۲	۴۳	۶/۷۷
۱۳۷۷ - ۷۸	۱۱۰۶	۱۹۹	۱۵/۲۴	۹۶۴	۸۴۶	۱۱۸	۱۲/۲۴
۱۳۷۸ - ۷۹	۹۹۱	۱۷۲	۱۴/۷۸	۶۰۸	۵۶۰	۴۸	۷/۸۹
۱۳۷۹ - ۸۰	۱۰۶۵	۱۷۴	۱۴/۰۴	۱۴۷۴	۱۲۶۹	۲۰۵	۱۳/۹۰
۱۳۸۰ - ۸۱	۱۱۴۸	۲۲۵	۱۶/۳۸	۱۴۷۰	۱۲۱۶	۲۵۴	۱۷/۲۷
۱۳۸۱ - ۸۲	۱۷۰۶	۳۸۳	۱۸/۳۳	۱۸۵۶	۱۴۸۴	۳۷۲	۲۵/۰۶

منبع: سالهای آماری استان اصفهان (۱۳۸۱: ۴۰۱)

برای بررسی روند مشارکت زنان در امر آموزش و تدریس جدول ۶ روند ۱۰ ساله حضور زنان در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی استان بخش دولتی را تجزیه و تحلیل کرده است. براساس یافته‌های جدول ۶ در سال ۱۳۷۰-۷۱، ۱۰/۵۸ درصد اعضای هیأت علمی دانشگاهها (تمام وقت) را زنان تشکیل داده‌اند که این رقم در سال ۸۲ - ۱۳۸۱ به ۱۸/۳۳ درصد رسیده است. روند حضور زنان در مراکز علمی استان تا سال ۱۳۷۶، سیر صعودی داشته و در این سال به علت محدودیت‌هایی در زمینه استخدام مربی این روند شاهد سیری نزولی بوده است. این رقم دوباره روند صعودی را طی کرده است. همچنین در جدول ۷ کارکنان زن آموزشی سه دانشگاه بررسی شده است. بر اساس یافته‌های آماری در جدول ۷ بیشترین سهم کارکنان آموزشی زن این سه دانشگاه در مرتبه مربی می‌باشند و کمترین آن در مرتبه استادی است. البته در مرتبه استادیاری ارقام تا حدی امیدوارکننده است و امید است در سالهای آتی بر تعداد کارکنان زن آموزشی دانشگاههای استان در سطح دانشیاری و استادیاری نیز افزوده شود.

#### جدول ۷- کارکنان آموزشی بر حسب رتبه و درجه تحصیلی

دانشگاه اصفهان و صنعتی اصفهان، ۱۳۸۲

دانشگاه	مربی	استادیار	دانشیار	استاد	جمع
دانشگاه اصفهان	۳۳	۱۹	۲	۳	۵۷
دانشگاه صنعتی	۱۳	۷	۱	۰	۲۱
دانشگاه علوم پزشکی	۶۴	۸۱	۱۴	۴	۱۶۳
جمع کل	۱۱۰	۱۰۷	۱۷	۷	۲۴۱

منبع: دفتر امور زنان و جوانان وابسته به فرمانداری استان اصفهان: گزارشی از وضعیت شاغلان زن استان. فرمانداری استان اصفهان، سال ۱۳۸۲

همچنین با توجه به یافته‌های جدول ۸ که درصد زنان در تمامی مشاغل جدول این واقعیت را نشان می‌دهد که تعداد زنان در میان پزشکان متخصص و عمومی کمی بیشتر از پزشکان مرد است، ولی ۵۵ درصد از کارکنان اتاق عمل را زنان تشکیل

می‌دهند. همچنین بهیاران و کمک‌بہیاران زن در مجموع حدود ۵۰ درصد و پرستاران زن بیش از ۸۰ درصد این مشاغل را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۸ - پزشکان و کادر درمانی شاغل در دانشگاه‌های استان اصفهان، ۱۳۸۳

شغل	مرد	زن	درصد زن
پزشکان متخصص	۳۶۹	۲۳۸	۳۹/۲۰
پزشکان عمومی	۴۷۸	۳۱۲	۳۹/۴۹
کادر اتاق عمل	۹۶	۱۴۱	۵۹/۵
بہیاران	۴۸۸	۴۹۴	۵۰/۳
کمک بہیاران	۳۱۷	۲۵۴	۴۴/۵
پرستاران	۳۶۰	۱۵۲۴	۸۰/۹

منبع: وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی استان اصفهان، ۱۳۸۳

### بحث و نتیجه‌گیری

حضور گسترده زنان در آموزش عالی در دو دهه گذشته و به تبع آن روند رو به افزایش زنان متخصص، توانا و کارآمد در جامعه ما و به خصوص استان اصفهان پیامدهای مثبتی در حوزه کار و فعالیت داشته است. این نیروی ذاتی، با حضور خود در بازار کار و کسب مقام‌های اساسی خواهد توانست راه‌های توسعه همه‌جانبه را در جامعه هموار سازد. یافته‌های این تحقیق عبارت‌اند از:

۱- روند مشارکت زنان در آموزش و به خصوص آموزش عالی در طول دوره مطالعه در استان اصفهان با رشد قابل ملاحظه‌ای روبه‌رو بوده است. با توجه به نتایج تحقیق رشد سالانه پذیرفته‌شدگان در طی دوره مطالعه ۱۵/۸۸، دانشجویان ۱۴/۳۴ و فارغ‌التحصیلان زن ۱۱/۳۲ درصد بوده است. همچنین بیشترین مشارکت زنان در مقاطع کاردانی و کارشناسی است که می‌توان آن را به علت مسائل خاصی از قبیل ازدواج، زایمان و نگهداری و تربیت فرزندان دانست که زنان، این دوره را یا طولانی‌تر طی کرده‌اند و یا

نتوانسته‌اند به پایان برسانند. در ضمن به علت این مسائل آنان به دنبال دوره‌های کوتاه‌مدت‌تری مانند کاردانی و کارشناسی هستند تا بتوانند این دوره را زودتر به پایان برسانند و از نتایج آن بهره‌مند شوند.

۲- مشارکت زنان در آموزش عالی موجب تغییر ساختار جنسیتی رشته‌ها گردیده است. براساس آمار ارائه شده در طول دوره مطالعه در رشته‌های فنی - مهندسی و کشاورزی که خاص مردان است، زنان به ترتیب ۱۷/۱۵ و ۶۴/۳۹ درصد رشد داشته‌اند. در سطح جهانی نیز از سال ۱۹۸۸ - ۱۹۸۰ در ۱۵ کشور از ۲۲ کشور توسعه‌یافته که اطلاعات آن در دسترس است، سهم زنان در رشته‌های مهندسی رشد بیشتری پیدا کرده است. این رشد در کشورهای اروپای غربی بیش از اروپای شرقی بوده است. در عین حال در ۱۲ کشور از بین ۲۰ کشور، درصد دانشجویان زن در این علوم، از قبل نسبتاً بالا بوده، این افزایش در واقع کمتر از میزان افزایش در رشته‌های مهندسی است (کالن، ۱۳۷۶).

۳- میزان مشارکت زنان در بازار کار استان اصفهان برخلاف میزان مشارکت آنان در آموزش عالی سیر نزولی را طی کرده است. بین سالهای ۱۳۸۵ - ۱۳۵۵ درصد رشد مشارکت زنان در بازار کار استان اصفهان ۲/۲۴- درصد بوده است که در مقابل میزان رشد مشارکت زنان در سال ۱۹۹۹، ۲۶/۷ درصد بوده است که زنان ایران در مقایسه با کشورهای نظیر الجزایر، مصر و پاکستان و ترکیه مشارکت کمتری در بازار کار داشته‌اند (منبع بانک جهانی ۲۰۰۱) که این رقم در مقایسه با کشورهای پیشرفته چون آمریکا با ۶۹/۷ درصد مشارکت زنان در بازار کار رقم بسیار ناچیزی است. در کشور ما با وجود حساسیت‌های فرهنگی، تا چند دهه پیش اساساً حضور زنان در اجتماع با مقاومت روبه‌رو بوده است. در ضمن بسیاری از مشاغل به دلیل سختی انجام کار و شرایط محیطی آنها، در کل و یا بیشتر در انحصار مردان است. به علاوه تسلط رکود مبتنی بر اقتصاد کشور و محدود بودن فرصت‌های شغلی، یا فن کار مناسب را برای مردان دشوار ساخته است، چه رسد به زنان که نیروی درجه دوم بازار کار قلمداد می‌شوند. بنابراین مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باعث پایین بودن سهم زنان در بازار کار ایران شده است.

۴- در ایران و استان اصفهان تعداد معدودی از زنان به مقام‌های مدیریتی دست یافته‌اند. براساس آمار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در سال ۱۳۸۰، بالاترین میزان مشارکت

زنان در مقام‌های سرپرستی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ۱۶/۸۸ درصد و پایین‌ترین درصد مربوط به وزارت امور خارجه با ۱/۱۵ درصد می‌باشد. حتی در وزارت آموزش و پرورش که از وزارتخانه‌های پرتراکم از لحاظ حضور زنان است ۲/۱۴ درصد از مشاغل اساسی در انحصار زنان است. در استان اصفهان نیز براساس آمار سال ۱۳۸۲، ۲/۳ درصد مدیران و مقامات استان را زنان تشکیل داده‌اند. در بررسی احراز سمت‌های اساسی و سرپرستی به نظر می‌رسد که زنان در سطح جهانی و به‌خصوص کشورهای در حال توسعه مانند ایران که بار فرهنگی، سنتی و مذهبی زیادی را بر دوش می‌کشد، آنان هر مقام و یا شغل مهمی داشته باشند، نمی‌توانند مسؤولیت و مدیریت خانه را رها کنند. در این میان جامعه و خانواده آنان از زنان انتظار دارند که مادران و کدبانوهای موفق نیز باشند. در حالی که مشاغل مدیریتی فردی را می‌طلبد که صد درصد توان و وقت خود را حتی خارج از وقت اداری صرف کار خود بکنند. در این‌گونه کشورها مردان عادت به فرمانبرداری از مدیران زن را ندارند و همچنین توزیع مقام‌های مدیریتی در بخش دولتی مبتنی بر رابطه بسیار قوی است و قوانین کسب مقام کمتر دخیل است.

۵- با آنکه در حال حاضر آموزش عالی توانمندی افراد در کل و زنان را به‌طور اخص تقویت کرده و تخصص لازم را برای کسب مشاغل اساسی و تخصصی که تعیین‌کننده سیاست‌های جامعه است در اختیار آنها قرار داده، ولی به دلایل مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تعداد معدودی از زنان توانسته‌اند در بازار کار موفقیت کسب کرده و از مقام‌های مدیریتی و اساسی برخوردار باشند. مطابق با بررسی‌های انجام شده در سال ۱۳۷۲، ۲۵/۶ درصد شاغلان بخش دولتی را زنان تشکیل داده‌اند. همچنین بالاترین اشتغال زنان در بخش دولتی به وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و بهداشت و درمان و آموزش پزشکی تعلق داشته است که به ترتیب اکنون جامعه ایران می‌تواند در راه نیل به سیاستها و برنامه‌ریزی‌های خود از این قشر متخصص و کارآمد در تمامی زمینه‌ها استفاده بهینه کند. همچنین امید است با حضور فزاینده زنان در دانشگاهها، بازار کار استان اصفهان شاهد حضور گسترده آنان در کلیه ادارت و کسب مشاغل تخصصی باشد.

### پیشنهادها

براساس نتایج به دست آمده که همگی نشان‌دهنده حضور گسترده زنان در آموزش عالی طی دوره مطالعه است، پیشنهادهای زیر می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد.

۱- با توجه به سؤال ۱ و جدول ۲ که نشان‌دهنده روند رو به افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی است، پیشنهاد می‌شود کماکان هیچ محدودیت جدیدی برای ورود زنان به مراکز آموزش عالی در آینده اعمال نشود، زیرا زنان به‌عنوان نیمی از نیروی ذاتی جامعه می‌توانند به صورت نیروهای متخصص درآیند و چرخهای اقتصادی کشور را با سرعت بیشتری به حرکت در آورند و از سوی دیگر آنان به‌عنوان مادران تحصیلکرده قادرند ساختار خانواده را متحول و تربیت فرزندان را بهبود بخشند.

۲- با بررسی نتایج سؤال ۲ و جدول ۳ تحول مهمی که در اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد به چشم می‌خورد آن است که دختران سهم قابل توجهی از رشته‌های فنی - مهندسی و کشاورزی را به خود اختصاص داده‌اند. از آنجا که جامعه و والدین دختران هنوز این آمادگی را ندارند که مهندسان رشته‌های مختلف و به‌خصوص کشاورزی را به شهرهای دور و روستا بفرستند تا آنان از تخصص خود استفاده کنند توصیه می‌شود در بلندمدت در جامعه فرهنگ‌سازی شود تا همگان پذیرای زنانی با تخصص‌های مهندسی و کشاورزی باشند و در کوتاه‌مدت زنان در رشته‌هایی ادامه تحصیل دهند که شرایط بهتری برای آینده شغلی آنان فراهم آید.

۳- براساس نتایج سؤال ۳ و جدول ۴ پیشنهاد می‌شود: چنانچه در محیط‌های کار شرایطی فراهم آید تا فرزندان زنان کارمند به سهولت و با هزینه اندک و یا رایگان نگهداری شوند زنان تمایل بیشتری به مشارکت در بازار کار از خود نشان می‌دهند.

۴- براساس سؤال ۴ و جدول ۵ پیشنهاد می‌شود: که انتصاب مدیران مبتنی بر شایسته‌سالاری و تخصص باشد و جنسیت ملاک انتخاب مدیران قرار نگیرد. در این صورت امکان احراز سمت‌های مدیریتی توسط زنان افزایش خواهد یافت.

۵- با توجه به سؤال ۵ و جداول ۶، ۷ و ۸ پیشنهاد می‌شود که زمینه‌های مشارکت بیشتر زنان در تمامی سطوح جامعه فراهم شود. در حال حاضر زنان به‌طور سنتی در وزارت آموزش و پرورش و بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و کارهای دفتری مشغول به فعالیت هستند. در صورتی که آنان توانایی حضور در همه عرصه‌های کار و فعالیت را

دارند. همچنین پیشنهاد می‌شود که جامعه بر روی مردان سرمایه‌گذاری فرهنگی کند تا آنان حضور زنان و دختران خود را در بازار کار بپذیرند و آنان را در تمامی مراحل زندگی حمایت و پشتیبانی کنند.

## منابع

- ایمانی، مصطفی. مرتضی مردیها. (۱۳۸۱)، *بررسی و تحلیل افزایش سهم زنان در آموزش عالی*، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- جدی زنجانی، نسرین و فیروزه صابر. (۱۳۷۴)، «بررسی جایگاه نقش زنان در سطوح قانونگذاری، سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی کشور»، (مجموعه مقالات کنگره نقش زن در علم، صنعت و توسعه)، تهران، دفتر امور زنان ریاست جمهوری.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان، «سالنامه آماری استان اصفهان» (واحد انفورماتیک) سالهای متفاوت، سالنامه آماری استان اصفهان، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲.
- سابارائو و همکاران. *سهم زنان در آموزش عالی، پیشرفت‌ها، محدودیت‌ها و اقدامات نویدبخش*، ترجمه محمدرضا کرامتی، (۱۳۷۷)، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- شکوری‌راد، صدیقه. (۱۳۸۰)، *توسعه مشارکت زنان در آموزش عالی*، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- عمادزاده، مصطفی. (۱۳۸۲)، «اهمیت سرمایه‌گذاری در آموزش زنان»، *پژوهش زنان*، فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، دوره ۱، شماره ۷.
- کالن، دیوید. «دسترسی به آموزش عالی»، ترجمه سمیرا کلهر، (۱۳۷۶)، *دایره المعارف آموزش عالی*، جلد اول، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. (۱۳۸۳) *آمار آموزش عالی ایران در یک نگاه*، گروه پژوهش‌های آماری و انفورماتیک سال تحصیلی ۸۲ - ۱۳۸۱، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

- Dorantes, M.C. & Kimmel, J. (2002). *Do College-Educated women in the United states delay fertility as a means of reducing the motherhood wage penalty*, JEL Codes: J 13 and J 3 October, PP 1 – 35 .
- Dundar, H. & Haworth, J. (1999). *Improving women's Access to higher Education*, A review of the world bank division population and human resources department the world bank, PP 1 – 75 .
- Skilbeck, Miranda., Connel, H. (2000). *Meeting the equity challenge in higher education*, A Review of International experience. A Short version of access and equity in Higher education. An International perspective issue and strategies, PP 1 – 19 .
- Miranda, G.V. DE. (1994). *Education and female force participation in Industrializing countries*, In: The International Encyclopedia of Education, 2<sup>nd</sup> Ed. Vol 2 , PP 1666 – 1671 .
- Shirahase, S. (2000). *Women's Increased Higher education and declining fertility Rate in Japan*, Review of population and social policy, No. g. PP 47 – 63 .
- Vanvaley, T.L. (2001). *Recent changes in higher education and Their ethical implication*, Teaching sociology, Vol 21 , PP 1 – 8 .

تاریخ وصول: ۸۴/۸/۹

تاریخ پذیرش: ۸۵/۷/۱۱